

# فصلنامه خط اول

رهیافت انقلاب اسلامی  
سال سوم، شماره ۹، تابستان ۱۳۸۸  
صفحه ۹۹ تا ۱۱۲

## نقش انقلاب اسلامی ایران در هویت یابی جمعی شیعیان در خاورمیانه

دکتر مهدی جاودانی مقدم، عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد قم  
محمد مهدی نصوحیان، کارشناسی ارشد دانشگاه امام صادق (ع)

### چکیده:

هویت فردی و جمعی به عنوان یکی از عناصر اصلی هر جامعه و ملتی، ساخته‌ای اجتماعی و دستاوردی گفتمانی محسوب می‌شوند که در بستر اجتماعی و در چارچوب زمانی مکانی، باز تولید و بازسازی می‌شوند. در این میان، هویت جمعی، با خودآگاهی و خودشناسایی فرد در رابطه با دیگران به وجود آمده و در شرایطی که وضع موجود، امکان برآوردن مطالبات فرد را نداشته باشد، هویت یابی جمعی در راستای اظهار نارضایتی از وضعیت موجود و تلاش در تبدیل آن به وضعیت مطلوب، تشدید می‌شود. این شرایط در میان جوامع سیاسی شیعی نیز که همواره در طول تاریخ به عنوان مذهب اقلیت در جهان اسلام، تحت انزوا، ستم و سرکوب دولت‌های عربی و تبعیض اجتماعی و اقتصادی فراگیر به دنبال عدالت اجتماعی سیاسی در جامعه بوده‌اند، زمینه قوام بخشی به هویت جمعی تشیع و تلاش برای بازتولید هویت جدیدی که در آن، شیعیان برخلاف سنت عزلت‌گرایانه سیاسی در صدد کسب یک قدرت سیاسی در جامعه هستند را به وجود آورده است. این مسئله به ویژه تحت تأثیر انقلاب اسلامی ایران با نفی هویت مشروعیت بخش سنتی در جوامع عربی، سبب تقویت هویت مقاومت در میان شیعیان شده و با تحولات عراق پس از سقوط صدام و ظهور دولتی با اکثریت شیعه در آن تشدید شده است.

**کلیدواژه:** هویت، هویت جمعی، انقلاب اسلامی ایران، شیعیان، خاورمیانه.

## مقدمه

شیعیان به عنوان یک اقلیت در مجموعه جهان اسلام، همواره در طول تاریخ به مثابه «دگر» سیاسی اجتماعی در درون دولت‌های عربی بازتعریف شده و قرن‌ها به صورت حساب شده‌ای سرکوب گردیده‌اند. در واقع این جریان از ابتدای تاریخ اسلام از سوی بسیاری از رهبران سنی و به ویژه جریان‌ات افراطی جوامع اسلامی، به عنوان یک مسئله حل نشده در سیاست مسلمانان عرب به نمایش گذاشته شده و با رویکرد تردیدآمیز و غیرخودی به آنان نگریسته شده است. این مسئله به گونه‌ای بود که بسیاری از حکومت‌های خاورمیانه نیز همواره در طول تاریخ ترجیح داده‌اند جمعیت شیعیان کشورشان را نادیده گرفته و هویت مذهبی آنان را به عنوان یک انحراف ایدئولوژیک در جریان اصیل اسلامی (رافضی) و در مواردی به عنوان جنبشی غیرعربی که توسط موالی (مسلمانان غیرعرب) با هدف تضعیف فرهنگ و خصوصیت عربی اسلام، ساخته و پرداخته شده است، به تصویر بکشند. (۱) این شرایط سبب شده است که شیعیان در طول تاریخ از یکسو براساس اندیشه‌های بنیادین تشیع در مورد «حکومت اسلامی در دوره غیبت» و سنت عزلت‌گرایانه سیاسی مرجعیت شیعه در تاریخ و از سوی دیگر به دلیل جایگاه آنان به عنوان اقلیتی در جهان اسلام، مشارکت سیاسی محدودی در ساخت حکومت جوامع اسلامی در کشورهای خاورمیانه داشته باشند. بنابراین با توجه به هویت فردی و غیرسیاسی شیعیان، همواره سیاست‌های تبعیض‌آمیزی از سوی حکومت‌های استبدادی دولت‌های عربی بر آنان تحمیل شده است. در این میان، خودآگاهی شیعی و احیای مکتب سیاسی شیعه در جهان اسلام و تلاش آن به منظور کسب عدالت اجتماعی سیاسی، اگرچه در دوره‌های مختلفی از تاریخ اسلام در قالب جنبش‌ها و قیام‌های اجتماعی در کشورهای اسلامی وجود داشته است اما بدون تردید پیروزی انقلاب اسلامی ایران و تحولات پس از آن در منطقه، مهمترین عامل در بازیابی نقش و جایگاه شیعیان در خاورمیانه بوده است. براین اساس، پس از استقرار نظام جمهوری اسلامی با بافت هویتی شیعی در ایران، شیعیان به عنوان مسلمانان فراموش شده در کشورهای عربی مورد توجه قرار گرفتند و هویت جمعی آنان در خاورمیانه بازتولید گردید. در واقع انقلاب اسلامی با هویت بخشی مجدد به شیعیان و با پررنگ کردن هویت اسلامی شیعی، زمینه ایجاد اعتماد به نفس در میان آنان را به وجود آورده که این مسئله در قالب مطالبات سیاسی اجتماعی آنان از دولت‌های عربی متبلور گردید. در این شرایط با ظهور سه نوع هویت مشروعیت‌بخش، هویت مقاومت و هویت برنامه دار در میان شیعیان تحت تأثیر انقلاب اسلامی ایران، بازسامانندیشه و رفتار سیاسی شیعیان در خاورمیانه تشدید گردید.

## مبانی نظری و چارچوب تئوریک مفهوم هویت:

مفهوم هویت را می‌توان یکی از محورهای اساسی جامعه‌شناسی فرهنگی و از پیچیده‌ترین مفاهیم فلسفی، جامعه‌شناسی، روان‌شناسی و تعلیم و تربیت دانست که در چند دهه اخیر مورد توجه عده زیادی از محققان و اندیشمندان علوم اجتماعی قرار گرفته است. این مفهوم به عنوان بخشی از عناصر اصلی شخصیت انسانی، درک هر شخص از خود و رویکرد وی در تعامل با جهان، دیگران و خویشتن را معین می‌کند. (۲) براین اساس، مفهوم روان‌شناسانه و فلسفی «خود» و «خودشناسایی» نقطه عزیمت هویت شناخته می‌شود و روند هویت‌یابی این امکان را برای یک کنشگر اجتماعی فراهم می‌کند تا برای پرسش‌های بنیادین معطوف به کیستی و چیستی خود، پاسخ مناسب و قانع‌کننده‌ای پیدا کند. (۳)

از سوی دیگر ایده خودشناسی یا معرف نفس در سرشت خود مبتنی بر ظرفیت "بازتابندگی" انسان است که پیوسته به عنوان نمود جوهری وضعیت انسان در نظر گرفته می‌شود. در واقع انسان در متن گفتمان تعریف می‌شود و هویت انسانی به عنوان یک سوژه مورد بحث قرار می‌گیرد. در این شرایط، خودآگاهی به معنای توانایی انسان‌ها به فاعل و مفهوم (سوژه و ابژه) خود واقع شدن می‌باشد که در آن قالب، انسان تلاش می‌کند تا «خود» را به عنوان یک «مفهوم» مورد مطالعه قرار دهد. (۴) در این فرایند خودآگاهی است که معناسازی براساس یک ویژگی فرهنگی یا مجموعه به هم پیوسته‌ای از ویژگی‌های فرهنگی که بر منابع معنایی دیگر اولویت داده می‌شوند شکل می‌گیرد. از این رو است که از دید جامعه‌شناسان، برخلاف تصور اولیه ثبات جوهری هویت، هویت‌ها از پیش وجود ندارند بلکه تمام هویت‌ها، «ساخته‌ای اجتماعی» یا «دستاوردی گفتمانی» هستند. (۵)

بنابراین هویت جهانشمول، ثابت و پایداری وجود ندارد و انسان‌ها نیز فقط تابع یک هویت واحد نیستند بلکه به هویت‌های متعدد وابسته‌اند. در این وضعیت یک شخص می‌تواند همزمان هویت ملی، هویت مذهبی، هویت قومی، هویت طبقاتی و هویت سیاسی خاص داشته باشد و هم تعارضی میان هویت‌ها به چشم نمی‌خورد. این هویت‌ها، از یکسو جنبه اجتماعی دارند یعنی براساس ایجاد پیوند میان خود و شکل‌های اجتماعی پدید می‌آیند و از این لحاظ امری اجتماعی محسوب می‌شوند و از سوی دیگر نسبی هستند و در طول زمان دستخوش تغییر می‌شوند. در نتیجه برخلاف تصورات اولیه، هویت‌ها نه تنها ثابت و دست‌نخورده باقی نمی‌مانند بلکه همواره در حال دگرگون شدن و به اصطلاح ساخته شدن هستند. (۶)

در این میان، هویت اجتماعی یا جمعی به عنوان درک هر شخص از خود و دیگران از یکسو و درک دیگران از خود و غیر خود از سوی دیگر است. در واقع هویت اجتماعی نوعی خودشناسی فرد در رابطه با دیگران است که نشان می‌دهد آن شخص از نظر روان‌شناختی

و اجتماعی کیست و چه جایگاهی دارد. این نوع هویت، فرد را از لحاظ عاطفی و تعهد و تکلیف، متعلق و منتسب و مدیون به یک جمع می‌کند و مطابق با الزامات اجتماعی و پروژه‌های فرهنگی که ریشه در ساخت اجتماعی و چارچوب زمانی مکانی آن‌ها دارد، بازسازی می‌شود (۷) بنابراین، هویت اجتماعی نیز امری ذاتی نیست بلکه محصول توافق بوده و همواره تحت تأثیر رخدادهای و تحولات اجتماعی در حال ساخته شدن است زیرا که هر فرد انسانی زاینده شرایط و تحت تأثیر مناسبات اجتماعی است و به عنوان عضو اجتماع، در ضمن متأثر بودن از تغییر و تحولات اجتماعی، در ساخت آن نیز به عنوان فرد سهم است. در نتیجه، هویت او از لحاظ تاریخی به نوعی متأثر از تحولات اجتماعی مشرف بر زندگی فردی است. (۸)

هویت جمعی یا اجتماعی فارغ از پذیرش استقلال یا عدم تمایز آن با هویت فردی و یا دیالکتیک درونی و بیرونی میان هویت‌ها از دو جنبه از اهمیت بسیاری برخوردار است:

الف) نارضایتی از وضع موجود: در شرایطی که وضع موجود پتانسیل لازم و کافی را جهت برآوردن مطالبات انسانی ندارد، هویت خواهی و هویت یابی در راستای نشان دادن نارضایتی از وضع موجود، به هویت جمعی قوام می‌بخشد.

ب) توانایی تغییر وضع موجود و تبدیل آن به وضعیت مطلوب: کنشگران اجتماعی با بازاندیشی در هویت جمعی و باز تولید هویت خود، درصدد تغییر و تحول شرایط از وضعیت نامطلوب موجود به وضعیت مطلوب آینده برمی‌آیند. در این شرایط از نظر کاستلز سه نوع هویت اجتماعی را می‌توان از یکدیگر تفکیک کرد.

۱. هویت مشروعیت بخش: این نوع هویت توسط نهادهای رسمی مسلط جامعه ایجاد می‌شود تا مشروعیت حکومت را بر کنشگران اجتماعی گسترش دهد و عقلانی کند؛

۲. هویت مقاومت: این هویت در شرایطی همچون بی‌عدالتی و تبعیض، توسط کنشگران به منظور ایجاد سنگرهایی برای مقاومت و بقا بر مبنای اصول متفاوت یا متضاد خود با اصول مورد حمایت نهادهای رسمی جامعه یا نظام بین‌الملل ساخته می‌شود؛

۳. هویت برنامه‌دار: هنگامی که کنشگران اجتماعی با استفاده از مواد و مصالح فرهنگی به بازسازی و یا تولید هویت جدید می‌پردازند و براساس آن موقعیت خود را در جامعه از نو تعریف می‌کنند و یا حتی در پی تغییر شکل کل ساخت اجتماعی هستند، این نوع هویت تحقق می‌یابد. هویت‌هایی که در آغاز به منزله هویت مقاومت شکل می‌گیرند، ممکن است مبلغ برنامه‌هایی شوند و یا ممکن است در طول تاریخ میان نهادهای جامعه، به نهادهای مسلط تبدیل شوند و بدین ترتیب به منظور عقلانی کردن سلطه خود به هویت‌های مشروعیت بخش تبدیل شوند. (۹)

به نظر کاستلز هر یک از هویتها، به نتیجه متفاوتی در ایجاد جامعه می‌انجامد. هویت مشروعیت بخش جامعه مدنی ایجاد می‌کند؛ یعنی با ایجاد مجموعه‌ای از سازمانها و نهادها و کنشگران اجتماعی، منابع سلطه ساختاری را عقلانی می‌سازد. همانگونه که گرامشی در تعریف جامعه مدنی، آن را مجموعه‌ای از «ابزارها» از قبیل کلیساها، اتحادیه‌ها، احزاب و... می‌داند که از یکسو پویای دولت را استمرار می‌بخشند و از سوی دیگر ریشه‌های عمیقی بین مردم دارند. (۱۰)

هویت مقاومت ساز، مقاومت جمعی را در برابر ظلم و ستم ایجاد می‌کند. این نوع هویت، غالباً «از بطن احساس بیگانگی و احساس خشم علیه تبعیض ناعادلانه سیاسی یا اقتصادی یا اجتماعی برمی‌خیزد.» براین اساس، هویت مقاومت، هویت دفاعی است که در قالب ایدئولوژی‌ها و نهادهای مسلط از طریق تقویت حد و مرزها، خطوط تمایز ایجاد می‌کند. (۱۱)

سومین هویت، یعنی هویت برنامه‌دار به ایجاد سوژه (فاعل شناسا) می‌انجامد. این هویت، برنامه‌ای برای یک زندگی متفاوت است. در اینجا، ساختن هویت، پروژه یا برنامه‌ای برای یک زندگی متفاوت است و در جهت دگرگونی جامعه گسترش می‌یابد. (۱۲)

این سه دسته از هویت اجتماعی که بواسطه بسترند بودن هویت، تحت تاثیر تحولات اجتماعی بر ساخته شده و سازمان دهنده معنا می‌باشند، نقش مؤثری در باز تولید هویت جمعی دارند. این مساله نیز با تقویت عنصر آگاهی در چارچوب هویت جمعی باز تولید شده، سبب تقویت اعتماد به نفس و کسب هویت سیاسی و میل به مشارکت سیاسی و اجتماعی شده و در صورت جنبه اجتماعی داشتن سبب تقویت مناسبات اجتماعی و ارزش‌های جمعی و در نهایت انسجام اجتماعی می‌گردد. (۱۳) چنانچه این وضعیت در میان مسلمانان و بویژه شیعیان خاورمیانه پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران محقق گردید و با نفی هویت مشروعیت بخش سنتی در کشورهای عربی، تقویت هویت مقاومت و باز تولید هویت برنامه دار و با ایجاد یک شبکه معنایی جدید توسط این انقلاب، هویت مسلمانان و بویژه شیعیان تحت تاثیر قرار گرفت.

### تاثیر انقلاب اسلامی بر هویت جمعی شیعیان

گروههای شیعه در کشورهای حوزه خلیج فارس و خاورمیانه همواره در محدودیت قرار داشته‌اند و ساختار اقتدارگرای سیاسی کشورهای منطقه جایگاه مؤثری برای شیعیان ایجاد نکرده است. در واقع، شیعیان در وضعیت «انزوای سیاسی»، مشارکت محدودی در امور حکومتی داشتند و در نهایت، به عنوان «نیروی چالشی و گریز از مرکز» تلقی می‌شدند. چنین

نگرشی منجر به احساس انزوای سیاسی و همچنین باور فقدان عدالت سیاسی در دیدگاه و رویکرد شیعیان شد. به همین علت، شیعیان حوزه خلیج فارس و خاورمیانه از گذشته، با نظم سیاسی ایجاد شده مخالف بودند و آن را غیر عادلانه، ظالمانه و سرکوب‌کننده تفسیر می‌کردند. این امر زمینه‌های چالش، بدبینی و جدال بیشتر نسبت به حوزه سیاسی و حکومتی را به وجود آورد. (۱۴)

در این شرایط زمانی که بنیانهای اعتراض سیاسی نسبت به شرایط اجتماعی وجود دارد، طبیعی است که می‌توان از طریق موج‌های اجتماعی زمینه حداکثرسازی تهییج سیاسی و هویتی شیعیان را به وجود آورد. بنابراین با وقوع انقلاب اسلامی، رفتار سیاسی شیعیان در تمام کشورهای اسلامی تحت تأثیر این واقعه از نشانه‌های عدالت‌گرایی، آخرت‌گرایی و موعودگرایی برخوردار شد و مقاومت شیعیان در تمامی کشورهای خاورمیانه افزایش یافت. علاوه بر این، با تغییرات ایجاد شده در روحیه، تمایلات و رفتار شیعیان، زمینه برای ظهور جنبش‌های شیعی در خاورمیانه به وجود آمد به گونه‌ای که این نیروها بر فضای سیاسی و اجتماعی منطقه تأثیر گذاشتند. در این میان، اگرچه میان تحریک سیاسی شیعه و انقلاب اسلامی ایران رابطه مستقیمی وجود داشت، اما باید به این مسأله توجه داشت که نظام جمهوری اسلامی ایران از طریق الگوهای رادیکال و مداخله‌گرایانه مبادرت به هویت‌سازی شیعه در خاورمیانه و خلیج فارس نکرد بلکه در واقع، نظام سیاسی جدید ایران تنها از هویت سیاسی شیعیان که تحت تأثیر فشارهای سیاسی و ساختاری منطقه شکل گرفته بود حمایت کرده و این حمایت باعث افزایش اعتماد به نفس شیعیان برای مقابله با شرایط سیاسی و اجتماعی شد. بنابراین شیعیان هویت خود را بر اساس ادبیات قالب‌های آیینی و نگرش مذهبی - سیاسی کسب کرده بودند و انقلاب ایران تنها چنین فرآیندی را تشدید نمود. در این شرایط، هویت شیعه پس از کسب ماهیت سیاسی و اجتماعی، برای ایفای نقش سیاسی مؤثر توانست اعتقادات خود را به برنامه سیاسی تبدیل و در نتیجه، در برابر فشارهای سیاسی حکومت‌های منطقه مقاومت کند و در این روند، انقلاب ایران توانست به شیعیان منطقه خاورمیانه جسارت از دست رفته را بازگرداند و این امر باعث افزایش مقاومت شیعیان در برابر نظام‌های سیاسی و کاهش انزوای اجتماعی آنان شد. (۱۵) بدین ترتیب، زمینه‌های اجتماعی برای حداکثرسازی تحریک و بازآفرینی کنش سیاسی توسط شیعیان به وجود آمد. لذا شیعیان حوزه خلیج فارس توانستند خودآگاهی رفتار اجتماعی را از طریق قالب‌های هویتی بازیابی کنند. اگر هویتی وجود نداشت، در آن صورت، امکان مقابله مؤثر و همه‌جانبه با نظام‌های سیاسی منطقه به وجود نمی‌آمد.

از سوی دیگر زمانی که شیعیان احساس هویت جمعی پیدا کردند، انگیزه بیشتری برای

کنش سیاسی به دست آوردند و توانستند بر فضای کنترل شده منطقه خاورمیانه غلبه کنند. این روند از دهه ۱۹۸۰ آغاز شد؛ بگونه‌ای که نیروهای اجتماعی کشورهای منطقه که از طریق آموزه‌های شیعی هویت یافته بودند، کانون‌های سیاسی نوظهوری در قالب احزاب و گروه‌ها به وجود آوردند و بدین ترتیب، جدال همه‌جانبه‌ای با نظام‌های سیاسی اقتدارگرا شکل گرفت. لذا تحریک سیاسی شیعه در گام اول با نقد نظام‌های سیاسی اقتدارگرا و نفی هویت مشروعیت بخش سنتی در این جوامع آغاز گردید.

### نقش انقلاب اسلامی در تحریک سیاسی شیعیان منطقه خاورمیانه

همان‌گونه که گفته شد، شیعیان با دارا بودن قالب‌های ادراکی و تحلیلی بومی برای عدالت‌گرایی و مبارزه با ظلم و تبعیض به دلیل اینکه همواره در طول تاریخ تحت فشار سیاسی و محدودیت حکومتی قرار گرفته بودند، گرایش بیشتری به هویت‌یابی پیدا می‌کردند. براین اساس اگرچه هویت‌یابی نیازمند نشانه‌های اجتماعی و فرهنگی است اما در بسیاری از موارد، قالب‌های هویتی‌ای مانند فرهنگ شیعی انگیزه سیاسی لازم را برای ایفای نقش مؤثر در میان شیعیان فراهم می‌آورد. چنانچه به اعتقاد کاستلز: «هویت بازسازی شده شیعیان زمینه‌ساز برنامه سیاسی آنان قرار گرفته است.» (۱۶)

این مساله در ایران نیز قبل از اینکه انقلاب اسلامی ایران به پیروزی برسد، با ظهور نشانه‌هایی از «هویت مقاومت» در ملت ایران تجلی پیدا کرد و سپس این موج هویتی ایجاد شده توسط ایران به سایر مناطق هم‌جوار نیز گسترش یافت. در این میان، سیاست صدور انقلاب موضوع کاملاً بدیعی در جهان اسلام محسوب می‌شد که باید آن را انعکاس آمادگی نیروهای اجتماعی خاورمیانه و همچنین گروه‌هایی دانست که قادرند زمینه‌های لازم را برای مقاومت در برابر ساختار اقتدارگرا به وجود آورند. بنابراین هویتی مشابه هویت مقاومتی که در ایران ایجاد شد نیز در سایر کشورهای خاورمیانه و حوزه خلیج فارس شکل گرفت. به عبارت دیگر، از آنجا که هویت‌ها ساخته می‌شوند و هیچ گروهی نمی‌تواند «هویت‌های جعلی» را به سایر مناطق جغرافیایی و حوزه‌های اجتماعی منتقل کند، بنابراین، هویت مقاومت در درون متن اجتماعی کشورهای مختلف در خاورمیانه ساخته شده و اگر شاهد نشانه‌های انقلاب اسلامی ایران در سایر کشورهای حوزه خلیج فارس هستیم، علت آن وجود هویت‌های مشترکی است که تحت تأثیر موج انقلاب اسلامی ایران موقعیت خود را به گونه قابل توجهی ارتقا داده‌اند. در واقع، تأثیرگذاری هر هویت و ایده بر کسانی است که دارای زمینه‌های پذیرش آن هویت و ایده را داشته باشند. بنابراین اگر پس از پیروزی انقلاب اسلامی، هویت مقاومت در شیعیان منطقه خاورمیانه ایجاد شد، این امر از بطن احساس بیگانگی و احساس

خشم آنان علیه تعیض ناعادلانه سیاسی، اقتصادی یا اجتماعی برمی‌خیزد. (۱۷)

براین اساس اگرچه شیعیان تحت تاثیر انقلاب اسلامی در ایران توانستند موقعیت خود را براساس سوژه‌های ذهنی بازتعریف کنند اما این امر ناشی از فقدان مشارکت آنان در ساختار قدرت سیاسی کشورهای متبوع خویش بوده است. ازسوی دیگر، زمانی که فضای اجتماعی لازم برای هویت‌یابی فراهم شود، بازیگران سیاسی و ایدئولوژی‌زده نیازمند حمایت جانبی هستند. در این شرایط، پیروزی انقلاب اسلامی در ایران هویت مقاومت شیعیان را به هویت برنامه‌دار تبدیل کرد. به این ترتیب، موقعیت شیعیان در خاورمیانه در وضعیت بازتعریف قرار گرفت. مصداق چنین هویتی را می‌توان در فضای سیاسی جدیدی ملاحظه کرد که شیعیان از سنگرهای مقاومت و دفاع از هویت و حقوق اجتماعی خود خارج شدند تا نظامهای سیاسی اقتدارگرا را به چالش فراخوانند. به این ترتیب، کلیت ساخت سیاسی، اجتماعی و امنیتی منطقه مورد توجه گروه‌های شیعه قرار گرفته و هر یک از گروه‌های شیعی در خاورمیانه برنامه‌هایی برای تحقق اهداف سیاسی خود ارائه دادند. بنابراین، کنشگری مؤثر شیعیان تحت تأثیر فضای اجتماعی جدیدی قرار گرفت که از یکسو، فراتر از هویت مقاومت بوده و از سوی دیگر، تلاش داشت کنش سیاسی خود را در خاورمیانه عقلانی کند. لذا در فرآیندهای کنشگری شیعیان، آنان توانستند فضای جدیدی را در قالب احزاب سیاسی به وجود آورند که مبتنی بر هویت برنامه‌دار بود.

در چنین شرایطی، اگرچه شیعیان به عنوان نیروهای اجتماعی درون ساختاری در کشورهای عربی توانستند فضای لازم را برای رفتار سیاسی مؤثر و سازمان‌یافته بوجود آورند اما با ارائه هویت برنامه‌دار و پیوند انقلاب اسلامی ایران با قالب‌های هویتی شیعیان در خاورمیانه، انقلاب اسلامی حامی نیروهای حذف شده و هویت‌های واژگون شده شیعه در خاورمیانه تلقی شد. باین وجود، هویت‌های پراکنده که آمادگی کنشگری پیدا کردند در شرایط محدودی قادر به ایفای نقش سیاسی در ساختار اجتماعی و حکومتی خاورمیانه شدند. لذا شیعیان خاورمیانه در دهه ۱۹۸۰ هویت مقاومت را ایجاد کردند و از دهه ۱۹۹۰ به بعد در فضای کنشگری جدیدی قرار گرفتند که مبتنی بر تاکتیک، استراتژی، هدف و سازماندهی بود در واقع، گروه‌های شیعی در دهه ۱۹۸۰ و در فضای هویت مقاومت، به جدال‌گرایی و نفی وضع موجود می‌پرداختند و در این دوران، جنبشهای انقلابی شیعه به سوژه‌های سیاسی تبدیل شدند که در صدد اثبات هویت خود در برابر اجتماعات و «دیگری‌های اثبات شده» برآمدند. اما در دهه ۱۹۹۰ شیعیان به عنوان سوژه‌های فاعلی و مؤثر تلقی شدند و آرزوی متمایز بودن، خلق تاریخ و همچنین معنا دادن به کل تجارب تاریخی خود را عینیت بخشیدند. این امر نشان می‌دهد که شیعیان در چارچوب قالب‌های هویتی و همچنین فرایندهای انقلاب به سوژه‌های خودآگاه تبدیل شدند

که قادر بودند بر شکل بندی‌های سیاسی و هویتی مجموعه‌های خویشاوند در حوزه‌های مختلف جغرافیایی تأثیر گذارند.

براین اساس، شیعیان برای نیل به هویت برنامه دار با عبور از هویت مقاومت توانستند ماهیت برنامه‌ریزی شده‌ای بدست آورده و هویت برنامه‌دار آنان بر اساس عقلانیت سازمانی و استراتژیک شکل گرفت. چنین روندی منشأ تغییرات سیاسی مؤثرتر در فضای خاورمیانه شده و نقش شیعیان را در منطقه تقویت نمود چنانچه شیعیان عراق در مقابله با صدام و همچنین مواضع شیعیان لبنان در مبارزه با اسرائیل مبتنی بر تقویت فضای کنشگری شیعیان بوجود آمد. در این شرایط، شیعیان نیروهای هویتی جدیدی محسوب شدند که از استعدادهای شخصی و انگیزش‌های درونی خود بهره گرفته و در قالب شکل خاصی از تعامل دیالکتیکی توانستند بر فضای منطقه‌ای تأثیرگذار باشند. آنان هویت ایدئولوژیک خود را به نشانه‌هایی از هویت اجتماعی تبدیل کردند و تعامل دیالکتیکی آنان با نیروهای منطقه‌ای و بین‌المللی موجب بازسازی فضای سیاسی شیعیان گردید. بنابراین، هویت ایدئولوژیک آنان از طریق پیوندهای اجتماعی، موقعیت شان را در تاریخ و محیط سیاسی تثبیت کرد. به این ترتیب، هویت‌گرایی شیعیان، ظهور هویت برنامه‌دار در کنش سیاسی و اجتماعی آنان و همچنین اهداف سیاسی جمهوری اسلامی ایران، تأثیر فراوانی در شکل‌گیری الگوی تحرک سیاسی شیعیان در خاورمیانه داشت.

در این میان، باید توجه داشت که اگرچه انقلاب ایران که به نام اسلام و با شعار الله اکبر بر مبنای ایدئولوژی اسلامی شکل گرفته و هدف برنامه‌های سیاسی امام خمینی (ره) اتحاد گروه‌های اجتماعی اسلام‌گرا در تمام مناطق جهان بوده و اصول اسلامی راهنمای سیاسی تمام مسلمانان محسوب می‌شد، اما انگیزه‌های شیعیان برای نبرد با اقتدارگرایی در قالب ادبیات سیاسی و استراتژیک ایران ارتقای ویژه‌ای پیدا کرد. بنابراین، بر اثر چنین سیاستی نه تنها شیعیان سایر کشورهای خاورمیانه بلکه شیعیان کشورهای دیگر مناطق جهان نیز جسورانه هویت شیعی خود را اظهار داشتند، مراسم عبادی‌شان را به جا آوردند و نارضایتی خود را از حکومت موجود بیان کردند... در همین زمان حکام کشورهای اسلامی با نگرانی از جذابیت زبان و الگوی انقلابی ایران با «شبه خمینی خواندن» دشمنان خویش، دولت ایران را به دلیل مداخله در سیاست داخلی خود متهم کردند و سرکوب شیعیان را تشدید نمودند (۱۸) چنانچه مثلاً در عراق، حکومت بعثی صدام که با بروز شورش‌هایی در کربلا، نجف و کوفه در ژوئن ۱۹۷۹ به لرزه افتاده بود با تأکید بر ارتباط ایران با شیعیان فعال آن کشور به ویژه «حزب الدعوه» و «مجاهدین»، رهبران شیعه را دستگیر و سیاست سرکوب و ارباب را در قبال شیعیان افزایش داد. همچنین در سایر کشورهای منطقه خاورمیانه نیز این گونه سیاست‌ها

توسط دولت‌های عربی پیگیری شد. با این وجود و علی‌رغم تشدید سرکوب و تحمیل انزوا بر شیعیان منطقه، مجموعه‌های سیاسی و ایدئولوژیک منطقه‌ای که تحت تأثیر موج‌های انقلاب اسلامی هویت تاریخی - اجتماعی خود را ارتقا داده و به شکل جدیدی از هویت به مفهوم هویت سیاسی دست یافته‌بودند، همچنان الگوهای رفتاری خود را - با وجود برخی اختلافات در تفسیر اندیشه‌های تشیع در میان آنان - با سیاست انقلاب ایران هماهنگ نگاه داشتند که اوج این همسویی و هم‌پوندی را می‌توان در تعاملات ایران و شیعیان لبنان مورد بررسی قرار داد.

### انقلاب اسلامی ایران و هویت یابی شیعیان لبنان:

شیعیان لبنان اگرچه به لحاظ جمعیت در اکثریت قرار دارند اما یک اقلیت سیاسی در میان دیگر اقوام مارونی، دروزی و سنی هستند که به نسبت جمعیت خود، در فرایند تاریخی کسب قدرت در لبنان، سهم ناچیزی داشته‌اند. این مسئله به گونه‌ای بوده که اساساً جامعه شیعه لبنان تا دوره پس از جنگ جهانی دوم، غیرسیاسی بوده‌اند و تنها در دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ به گونه فزاینده‌ای سیاسی شده‌اند. در این میان، در طول دهه ۱۹۷۰، امام موسی صدر، رهبر مذهبی سیاسی شیعیان لبنان، با تفسیر دوباره‌ای از نمادگرایی شیعی که شباهت بسیاری به تفسیر انقلابی امام خمینی (ره) از اسلام در سال‌های تبعیدشان از ۱۹۶۴ تا ۱۹۷۸ داشت زمینه تجدید حیات تشیع و جنبش فعالانه اصلاحات اجتماعی و سیاسی شیعی را در لبنان به وجود آورد. (۱۹)

براین اساس، شیعیان که از زمان استقلال کشور لبنان تا سال‌های دهه ۱۹۶۰ در انزوای سیاسی اجتماعی قرار داشتند، تحت تأثیر امام موسی صدر پس از دهه ۱۹۶۰ و به ویژه در خلال جنگ‌های داخلی لبنان در صدد تقویت جایگاه خود در ساختار سیاسی اجتماعی لبنان و تغییر حاکمیت مارونی در این کشور برآمدند. این مسئله پس از پیروزی انقلاب اسلامی با ماهیت شیعی در ایران تشدید شد و زمینه ساز نهضت شیعیان لبنان و الهام بخش رهایی مردم شیعه مناطق جنوب این کشور شد. در واقع وقوع انقلاب اسلامی ایران و تحقق عینی حاکمیت تشیع در ایران، افق‌های تازه‌ای به روی شیعیان لبنان گشود و با احیای هویت سیاسی شیعه، روحیه مبارزه با وضعیت موجود را در آنان تقویت کرد. (۲۰) براین اساس، شیعیان لبنان با الگوگیری از انقلاب ایران و این مسئله که یک نهضت اسلامی خالص و کاملاً سازمان یافته و دارای انگیزه می‌تواند دستاورد عظیمی در مقابله با ستمگری و بی‌عدالتی داشته باشد، نخستین جامعه شیعی‌ای شدند که به منزله یک گروه در جهان عرب جدید به قدرت سیاسی دست یافته و از درون جامعه ستم دیده، تحقیر شده، منزوی و نادیده گرفته شده، بدون اتکاء

به دیگران در نظام سیاسی کشورشان به قدرت دست یافتند. در این میان، آمیختگی تشیع و سیاست در لبنان با وقوع انقلاب اسلامی ایران شدت یافته و از سال ۱۹۸۱ طرفداران اندیشه اسلامی در درون گروه «امل» تحت تأثیر اندیشه‌های انقلابی ایران، فعالیت‌های خود را گسترش دادند، با این وجود، جنبش امل به مثابه جنبش شیعی موفق، اگرچه از جریان پر شور فراهم شده از طریق انقلاب سود برد اما این جنبش که جنبشی میانه رو و محافظه کار به حساب می‌آمد، نتوانست حامل اندیشه‌های ایدئولوژیک و پرشور انقلاب اسلامی باشد بنابراین در حالی که رهبران جنبش امل، علاقه چندانی به گفتمان و ایدئولوژی اسلام‌گرایی با قرائت انقلاب اسلامی ایران نشان نمی‌دادند، جنبش حزب الله که متشکل از اسلام‌گرایان مبارز بود، به پرشورترین و مطمئن‌ترین حامی اسلام‌گرایی و تبلور عینی انقلاب اسلامی در لبنان تبدیل شد. (۲۱)

براین اساس، ملموس‌ترین پدیده متأثر از انقلاب اسلامی در میان شیعیان لبنان، جنبش حزب... بود. این جنبش در خلال تهاجم نظامی اسرائیل به لبنان در ۱۹۸۲ و ناکارآمدی تمامی طرح‌های مسالمت‌جویانه در برخورد با اسرائیل، با پذیرش ایدئولوژی انقلاب ایران و اتکاء به توان خود در مبارزه با دشمن، زمینه ادغام مجموعه‌های کوچک اسلام‌گرای شیعه و تأسیس تشکیلات جدیدی را براساس آموزه‌ها و ارزش‌های انقلاب اسلامی به وجود آورد. حزب الله هنگام تأسیس، دربیانیه‌ای با عنوان (ما که هستیم و هویت ما چیست؟) - که هویت یابی این جنبش از انقلاب اسلامی را آشکار می‌کند - به بروز این شاخصه پرداخته و می‌نویسد: ما فرزندان حزب الله هستیم که خداوند طلیعه آن را در ایران به پیروزی رساند تا دوباره هسته اولیه دولت اسلامی را در جهان بر پا کند... ما در لبنان یک حزب تشکیلاتی بسته با چارچوب سیاسی گنگ نیستیم، بلکه امتی هستیم که از طریق کمربند اعتقادی و سیاسی نیرومندی به نام اسلام، به مسلمانان سراسر جهان وابسته ایم. بنابراین حزب... با پذیرش هویت مقاومت شیعیان در لبنان در دهه ۱۹۸۰ شکل گرفته و تحت تأثیر انقلاب اسلامی، هویت برنامه‌داری را نیز مبتنی بر اصول زیر در دستور کار خود قرار داد:

۱. اعتقاد به ولایت فقیه و رهبری امام خمینی (ره): حزب... لبنان با اعتقاد به رهبری شرعی واحد جهانی و با پذیرش کامل نظریه ولایت فقیه و رهبری امام خمینی (ره) به عنوان تجلی بخش این نظریه، هویت جنبش خود را تعریف نمود. در این زمینه سیدحسن نصر... تأکید می‌کند که از دیدگاه حزب... «امام خمینی (ره) مرجع دینی، امام و رهبر به تمام معنای کلمه است... همانگونه که هر رهبر بزرگ دینی در هر کیشی در جهان اینگونه است اما امام برای ما بیش از این است. ایشان سمبل و نماد انقلاب علیه طاغوت‌ها، مستکبران و نظام‌های استبدادی است... بدین ترتیب امام خمینی برای ما بیش از یک سمبل دینی مطرح است. این

رابطه روحی و معنوی بین ما و امام، حتی قبل از تجاوز نظامی اسرائیل در سال ۱۹۸۲ نیز وجود داشت». (۲۱) بنابراین مهمترین ویژگی حزب...، پیوند مردم با ولی فقیه می‌باشد.

۲. ضرورت مبارزه و مقاومت: یکی دیگر از مهمترین ابعاد هویتی حزب... لبنان، تأکید بر ضرورت مبارزه با دشمن و مقاومت اسلامی است در این زمینه نیز سیدحسن نصرالله... تأکید دارد که حزب... براساس دو محور شکل گرفت: «محور نخست ایمان به ولایت فقیه و التزام به رهبری حکیمانه امام خمینی و محور دوم ضرورت قیام و مبارزه با دشمن اسرائیلی». (۲۲)

۳. نفی مشروعیت سنتی حکومت و انتخاب نظام جمهوری اسلامی به عنوان شیوه حکومت: حزب... لبنان با پذیرش نظریه ولایت فقیه و پای فشاری بر عدم جدایی دین از سیاست، نظام جمهوری اسلامی ایران را به عنوان الگو و شیوه حکومت، برگزیده و محوریت روحانیت در عمل سیاسی را مورد تأکید قرار داده است. براین اساس است که نقشی را که روحانیون در ارکان مختلف حزب... برعهده داشته اند، در هیچ یک از احزاب و سازمان‌های لبنانی سابقه نداشته و از ابتدای تأسیس حزب... تاکنون، همواره اکثریت اعضای شورای حزب... را روحانیون تشکیل داده‌اند.

۴. نمادگرایی شیعی، همگرایی اسلامی و تکثرگرایی دموکراتیک: حزب... با تأکید بر هویت شیعی و با بهره‌گیری از نماد و سمبل‌های مذهبی شیعه تلاش کرده است تا پیام انقلابی مقاومت شیعیان و ضرورت بازتولید هویت جمعی آنان را در لبنان تقویت نماید. براین اساس، حزب... با استفاده از نمادهایی مانند مسئله عاشورا، شهادت امام حسین (ع) و ظهور حضرت مهدی (عج)، فرهنگ جهاد، شهادت، استقامت و تحمل مشکلات را در جامعه سیاسی شیعیان لبنان نهادینه کرده است. از سوی دیگر حزب... با تأکید بر ماهیت اسلامی این حزب و ضرورت تشکیل امت واحده اسلامی در مبارزه با اسرائیل، خود را به عنوان یک جنبش اسلامی فارغ از اختلافات طبقه‌ای و شیعه و سنی مطرح کرده است. چنانچه در این زمینه، علی‌رغم تأکید آن بر بنیادها و عناصر شیعی، هیچ‌گونه تمایلات فرقه‌گرایانه در اهداف آن به چشم نمی‌آید و بیشتر بر امت جهانی اسلام تأکید می‌شود. همچنین این جنبش با پذیرش تکثرگرایی و رعایت قواعد بازی دموکراتیک، اصول تازه‌ای را برای آینده کلیه جریان‌های سیاسی لبنان ترسیم نموده است.

مجموع این عوامل سبب شده است که جنبش حزب... تأثیرپذیری ظاهری و باطنی بسیاری از انقلاب ایران داشته باشد و هویت‌یابی مجدد شیعیان و احیاء مکتب سیاسی تشیع در لبنان در پرتو تعاملات دیالکتیک این جنبش و نظام جمهوری اسلامی ایران تقویت گردد.

## نتیجه گیری

شیعیان نیروهای اجتماعی در میان گروه‌های اسلام‌گرا در درون جوامع عربی محسوب می‌شوند که از یکسو با دارا بودن آموزه‌های آیینی و تحت تأثیر نهضت امام حسین (ع) و اسطوره‌های خود از انگیزه‌های انقلابی و عدالت‌گرایانه برخوردارند و از سوی دیگر به دلیل شرایط تبعیض آمیز سیاسی- اجتماعی در ساختار قدرت این کشورها، زمینه‌های بازتولید هویت جمعی آنان و تحول خواهی به منظور تغییر شرایط موجود به وضعیت مطلوب در میان آنان وجود دارد. لذا این نیروها قابلیت دستیابی به موقعیت جدیدی در کشورهای اسلامی را دارند. براین اساس، هویت یابی شیعیان ناشی از قابلیت‌های بالقوه فرهنگی، سیاسی و ایدئولوژیک آنان است. به خصوص که اکثر شیعیان در کشورهای خاورمیانه فاقد حقوق شهروندی مؤثر و مناسبی بوده‌اند. این امر سبب احساس بیگانگی اجتماعی و در نتیجه حاشیه‌ای شدن نیروهای سیاسی، قومی، زبانی و مذهبی می‌شود. در این شرایط، انقلاب اسلامی ایران با تشدید موج‌های هویت‌گرایی، هویت سیاسی شیعیان این منطقه را بارزتر نموده است. این شیعیان که اعتماد به نفس پیدا کرده‌اند، به محدودیت‌های سیاسی و موقعیت خود معترض بوده و در نتیجه به دنبال مقابله با این امر هستند. مجموعه این شرایط سبب شده است که افزایش سطح تعارض شیعیان سیاسی با نظام‌های سیاسی اقتدارگرا را بتوان در خیزش شیعیان در کلیه کشورهای منطقه و بویژه تحریک سیاسی شیعیان لبنان مشاهده نمود. بنابراین در فضای اجتماعی و سیاسی موجود استراتژی شیعیان عبور از فضای حاشیه‌ای حوزه اجتماعی و طرح مطالبات حقوق شهروندی است. لذا آنان پس از سال‌های دهه ۸۰ که به مبارزات و نزاع با حکومت‌های خود و به عبارتی هویت مقاومت می‌پرداختند، در دهه ۹۰ به بعد شروع به سازماندهی در قالب احزاب و مشارکت سیاسی و تقویت هویت برنامه‌دار پرداخته‌اند. در این میان باید توجه داشت که اگرچه انقلاب اسلامی با فراهم نمودن شرایط و بستر مناسب، بازسازی هویت مسلمانان به خصوص شیعیان را آغاز نمود و با ایجاد اعتماد به نفس و ارائه راه نوین آینده روشنی را به مسلمانان و حتی مردم جهان نشان داد اما مسلمانان این مساله نیز - بویژه در پرتو تحولات اخیر در منطقه خاورمیانه و احیای شیعیان پس از سقوط رژیم صدام و ظهور اولین دولت عربی با اکثریت شیعی - نیازمند تقویت دیپلماسی ایران در ژئوپلتیک نوین تشیع و در سطح جهان اسلام دارد تا از یکسو زمینه انسجام هویت اجتماعی شیعی را در منطقه بوجود آورده و از سوی دیگر با عوامل واگرا، انزواساز و محدود کننده شیعیان در جوامع اسلامی به بهانه نگرانی از تشکیل هلال شیعی مقابله کند.

## پی‌نوشت‌ها:

- ۲۱- اسدالهی مسعود. حزب ا... لبنان، گذشته و حال، پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران، ۱۳۸۲، صص ۱۷۲-۱۷۵
- ۲۲- کدیور، جمیله. رویارویی انقلاب اسلامی ایران و آمریکا، انتشارات اطلاعات، تهران، ۱۳۷۲، صص ۱۱۸
- ۱- فولر، گراهام و فرانکه رند رحیم. شیعیان عرب مسلمانان فراموش شده، ترجمه خدیجه تبریزی و علی اصغر محمدی، انتشارات شیعه شناسی، قم، ۱۳۸۴، صص ۵۱-۵۶
- ۲- جنکینز، ریچارد. هویت اجتماعی، ترجمه تورج یاراحمدی، نشر شیرازه، تهران، ۱۳۸۱، صص ۵
- ۳- گل محمدی، احمد. جهانی شدن و فرهنگ هویت، نشر نی، تهران، ۱۳۸۱، صص ۲۲۳
- ۴- فوزی تویسرکانی، یحیی. امام خمینی و هویت ملی، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، تهران، ۱۳۸۴، صص ۲۱-۲۳
- ۵- همان، صص ۲۴
- 6- Michael and S.Pile, "Place and Politics of identity", London: Keith -6 Routledge, 1993, p.27
- 7- Giddens, Anthony. "Modernity and Self-identity: Self and Society in the Modern Age", Cambridge: Polity Press, 1983, pp. 67-73
- ۸- شرفی، محمدرضا. جوان و بحران هویت، سروش، تهران، ۱۳۸۵، صص ۱۱۷-۱۱۸
- ۹- مانوئل کاستلز، عصر اطلاعات: اقتصاد، جامعه و فرهنگ (قدرت هویت)، ترجمه حسن چاوشیان، چاپ اول، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۰، جلد دوم صص ۲۳
- 10- Calhoun Craig. (ed.) "Social Theory and the Politics of Identity", Oxford: Blackwell. 1994, p. 17
- 11- Ibid
- 12- Scheff, Thomas. "Emotions and Identity: a Theory of Ethnic Nationalism", in Calhoun (ed.), 1994, p.281
- 13- Brown, David. "Concern Porary nationalism", London: Routledge, 2000, p.22
- ۱۴- نکاست، اسحاق. شیعیان در جهان غرب مدرن ترجمه ارسلان قربانی شینین، دانشگاه امام صادق (ع)، تهران، جلد دوم، ۱۳۸۷، صص ۱۷-۲۰
- ۱۵- فاضلی نیا، نفیسه. ژئوپلیتیک شیعه و نگرانی غرب از انقلاب اسلامی، انتشارات شیعه شناسی، قم، ۱۳۸۶، صص ۱۱۱-۱۱۴
- ۱۶- مانوئل کاستلز، قدرت هویت، ترجمه حسن چاوشیان، تهران: نشر طرح نو، ۱۳۸۰، صص ۳۱-۳۳
- ۱۷- همان، صص ۲۵-۲۷
- ۱۸- برای مطالعه بیشتر در مورد صدور انقلاب و واکنش کشورهای عربی نک: فلاح نژاد، علی. سیاست صدور انقلاب اسلامی، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، تهران، ۱۳۸۴
- ۱۹- امرایی، حمزه. انقلاب اسلامی ایران و جنبش‌های اسلامی معاصر، مرکز اسناد انقلاب اسلامی ایران، تهران، ۱۳۸۳، صص ۲۳۵
- ۲۰- اسپوزیتو، جان. انقلاب ایران و بازتاب جهانی آن، ترجمه محسن مدیر شانه چی، مرکز بازشناسی اسلام و ایران، تهران، ۱۳۸۲، صص ۱۲۹-۱۳۲